



فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاق پژوهی

سال ششم • شماره چهلم • زمستان ۱۴۰۲

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 6, No. 4, Winter 2024



حق انتفاع از سهمیه ورزشی و چالش اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی

مصطفی شریفی*

doi: 10.22034/ethics.2024.51340.1672

چکیده

از مسائل چالش برانگیز در مسابقات بین‌المللی و صعود به قله قهرمانی، رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی است که اختلاف نظرها و موضع‌گیری موافقان و مخالفان را در پی داشته است. نادیده انگاشتن «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و لزوم استیفای آن همواره از ادله موافقان رویارویی و مصاف با ورزشکاران اسرائیلی و لزوم «حمایت از مظلوم» از مهمترین دلایل مخالفان بوده است. در این مقاله، پس از تحلیل مفهوم «حق» در سیاق «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و تبیین متعلق آن که نهادهای رسمی و فدراسیون‌ها هستند، با تکیه به مبانی و آموزه‌های اسلامی، بر نادرستی مدعای موافقان جواز اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، استدلال شده و در این راستا، با بهره‌گیری از قواعد تراحم و رجحان باورهای مبتنی بر اعتقاد به لزوم «حمایت از مظلوم»، بر اولویت و ضرورت عدم الزام به مسابقه و مصاف با ورزشکاران اسرائیلی تأکید شده است. باسته است مسئلان امر، ضمن زدودن ابهام‌ها در باب مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، این بار سنگین را از دوش جامعه ورزش برداشته و تدارک خسارت کنند.

کلیدواژه‌ها

تعارض اخلاقی، حق انتفاع، سهمیه ورزشی، مصاف با ورزشکاران اسرائیلی.

* دانشجوی دکتری مدرس معارف اسلامی، گرایش اخلاق دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. | msh.94@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ | تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

■ شریفی، مصطفی. (۱۴۰۲). حق انتفاع از سهمیه ورزشی و چالش اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی. *فصلنامه اخلاق پژوهی*.

doi: 10.22034/ethics.2024.51340.1672 . ۶-۱۱۹_۱۳۶ . (۲۱)

مقدمه

ورزش، نهادی پویا و اثرگذار در جوامع نوین است که با انگیزش کسب مهارت، قدرت، ثروت، عنوان و امتیاز، حکومت‌ها را ناگزیر به روی آوری به این ورطه ساخته است. به ندرت می‌توان کشوری را یافت که قادر برنامه مدون ورزشی بوده و نسبت به دستاوردها و منافع حاصل از آن در عرصه بین‌المللی بی‌تفاوت باشد. گستره ورزش در عرصه جهانی و استقبال فراگیر ملت‌ها، مایه افزایش قدرت حکومت‌ها به واسطه تفوق در مسابقات ورزشی است (نک: شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ۲۰۷). برترین مقام قهرمانی در بازی‌های المپیک و سپس جام جهانی^۱ رقم می‌خورد؛ میدانی که مدعیان قهرمانی سراسر جهان برای کسب سهمیه آن، نهایت استعداد و تلاش خود را به کار بسته تا با تثبیت و نمایش توانمندی‌های خود بدرخشنند. اخذ جواز حضور در این مسابقات، متوقف بر زحمات طاقت‌فرسا و صرف هزینه‌های بسیار و مبارزه و مسابقاتی دشوار است و اختصاص سهمیه به ورزشکاران، حق و امتیازی است که سلب یا واگذاری آن به دیگری در نگاه نخست، نادرست می‌نماید.

از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، هنگامی که نمایندگان ورزشی با اخذ سهمیه، به مسابقات جهانی و المپیک راه یافته و در قرعه‌کشی هم‌گروه با ورزشکاران رژیم صهیونیستی شدند و از ادامه مسابقه بازمانده‌اند. برای مثال، آرش میراسماعیلی –دارنده دو مدال طلای جهانی در رشته جودو– امیدوار بود تا بتواند مدال طلای مسابقات المپیک آتن سال ۲۰۰۴ م را به دست آورد، اما در مراحل نخست با ورزشکار إسرائیلی هم‌گروه شد و برای آنکه با اوروپه‌رو نشود به بهانه رعایت نکردن حد وزن مجاز، از مسابقات کناره‌گیری کرد. او که انتخاب اول مجله آمریکایی اسپورتس ایلستریتد^۲ برای کسب مدال طلا در رشته جودو بود، حاضر به مسابقه با یهودواکس جودوکای إسرائیل نشد و بنابر قانون المپیک، از دور مسابقات حذف شد و البته، میراسماعیلی این رفتار را در راستای دفاع از مردم مظلوم فلسطین اعلام کرد.^۳

تأثیر ورزش در نظم نوین جهانی و امتیاز از رویارویی با ورزشکاران إسرائیلی، محدودیت‌ها و تهدیداتی را برای ورزشکاران و جامعه ورزشی به دنبال داشته^۴ و از مسائل بحث‌انگیزی است

1. World Cup

2. Sports Illustrated

3. دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا. (۲۰۲۱). خبرگزاری مهر. برگرفته از - <https://fa.wikipedia.org/wiki/2021>

4. از جمله این تبعات و تهدیدات، می‌توان به تعلیق فدراسیون جudo ایران در تمامی مسابقات قاره‌ای و جهانی و احتمال تسری این تعلیق به سایر رشته‌های ورزشی، محرومیت از کسب مدال در رویدادهای بین‌المللی، افزایش مهاجرت و





که آورده‌گاه آراء موافقان و مخالفان شد. این مهم اندیشمندان و اصحاب ورزش را برانگیخت تا با ارائه یافته‌های علمی و میدانی خود، پیامدهای عدم مصاف با ورزشکاران اسرائیلی را از منظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی مورد بررسی و نقد قرار دهند.^۱ بنابر برخی پژوهش‌ها، «ظرفیت ورزش ایران به عنوان یکی از اهرم‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی مطرح می‌شود و هر گونه آسیب به آن، ممکن است منجر به خدشه‌دار شدن انسجام داخلی و امنیت ملّی شود» (شريعی فض آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۰). لکن مسئله مورد غفلت، بُعد اخلاقی نادیده انگاشتن حق ورزشکار در انتفاع از سهمیه ورزشی است که می‌توان آن را یکی از ادله موافقان جواز مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات بین‌المللی برشمرد. این دسته، انتفاع از این امتیاز را حقی برای ورزشکار دانسته و معتقدند که استیفاء حق، عادلانه و بایسته است. از طرفی، مخالفان مصاف و رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی، بر این باورند که مصاف با ورزشکاران رژیم صهیونیستی، به معنای پذیرش و به رسمیت شناختن این رژیم غاصب^۲ بوده و این عمل اعانه به ظلم و به یقین غیر اخلاقی است.

۱۲۱

دور رویکرد متعارض جواز مصاف و عدم مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، به دلیل «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و همچنین «حمایت از مظلوم» در این مسئله وجود دارد و این سؤال مهم مطرح می‌شود که با چه مبنا و دلیلی، ورزشکاری که کسب سهمیه کرده است باید از این حق محروم شود؟ و اساساً آیا کسب سهمیه در مسابقات، «حقی» برای ورزشکاران ایجاد می‌کند؟ رویکرد سودگرایان و اندیشمندان اسلامی در تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» چیست؟

در پاسخ به این پرسش‌ها و در ادامه، منظر و نگاه سودگرایانه – به دلیل قرابت با انگیزه سودمحور اکثر ورزشکاران – بررسی و نقد شد و سپس در عرضه تعارض بر علوم اسلامی، کسب سهمیه ورزشی به عنوان امتیاز جواز و یا حق جواز، مورد تحلیل مفهومی قرار گرفت و با

پناهندگی ورزشکاران ایرانی، مبنوی شدن ورزش ایران، یأس و استغفاری مسنولین ورزشی اشاره کرد (نک: شريعی فض آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۳-۲۱۶).

۱. در زمینه مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات ورزشی، اندک مقالاتی به رشتہ تحریر در آمده که البته، عمدهاً بیگانه با موضوع پژوهش «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» است.

۲. چراًی و ثمرات خودداری ورزشکاران از مسابقه با نمایندگان رژیم غاصب صهیونیستی. (۱۴۰۲). برگفته از

به چالش کشیدن ادعاهای استدلال‌های مطروحه، نادرستی مقدمات مدعای «حق داشتن» اثبات شده است و در نهایت، راهکاربرون رفت از شبھه تعارض اخلاقی، ارائه و تبیین گردید.

بررسی رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی از منظر سودگرایان

بررسی جزئیات تعارض اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات ورزشی و گزینش یک طرف، نیازمند معیار درست ارزش‌گذاری است. ورزشکاران و متخصصان امر ورزش بنا بر وظایف ذاتی خود، به دنبال کسب عنوان قهرمانی و در نتیجه، ارتقای جایگاه و رتبه ورزش کشور اند و از هر آنچه آنان را در این مسیر باز دارد احتراز می‌جوینند. از این‌رو، با استناد به قوانین و به دور از مسائل حاشیه‌ای، تمام توان و همت خود را به کار بسته و با طرح ادعای «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» در صدد ایصال به اهداف ورزشی هستند. جواز مسابقه و مصاف با حریفان اسرائیلی، با تکیه و تأکید بر «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و با هدف کسب سود و منافع بیشتر، با انگاره سودگرایی^۱ همسو و نزدیک است.

سودگرایی اخلاقی، نظریه‌ای هنجاری است که ایجاد بیشترین خیر برای بیشترین افراد را ملاک فعل اخلاقی بر می‌شمارد. این نظریه هنجاری، به شکل منسجم در آثار جرمی بتام^۲ مطرح شد و سپس شاگرد او جان استوارت میل^۳ با جدیت تمام به اصلاح ورفع نقاچ آن پرداخت و بر این باور بود که اعمال انسان زمانی درست و بایسته است که در جهت افزایش خوشی همگانی باشد. در نظر بتام و میل، مراد از خیر و منفعت، همانا لذت و فقدان رنج است و درستی یا نادرستی افعال بر اساس میزان تأثیری که در افزایش سود عمومی دارند، اندازه‌گیری می‌شوند (صبحایزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶). سودگرایان با محور قرار دادن «اصل سود»، بر این باورند که برنامه اجتماعی در ارتقای خیر و خوبی، باید به نحوی باشد که در آن سود همه افراد، از جمله خود عامل و در بحث کنونی خود ورزشکاران، لحاظ شود و اگر منافع افرادی در تعارض با یکدیگر قرار گرفت، باید آنچه مخصوصاً منافع تعداد بیشتری است، برگزیده شود. «در واقع، میل هم بر عنصر کیفیت در ارزیابی افعال تأکید دارد و هم بر اصطالت منفعت عمومی و ابزاری و

1. utilitarianism

2. Jeremy Bentham (1748-1832)

3. John Stuart Mill (1806-1873)

غیری بودن سود شخصی اصرار می‌ورزید. البته، در درجه‌بندی افعال باید مقدار لذت یا المی که یک فعل ارادی بهار می‌آورد و حتی نتایج و پیامدهای آن حساب شود (مصطفای بزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). اکثر سودگرایان، لذت حاصل از حق انتفاع از سهمیه ورزشی و یا اعانهٔ مظلوم را مصدق سود غایی دانسته‌اند که عامل اخلاقی به دنبال حداکثرسازی آن است. در واقع، سودگری اصل سود را بنیان اخلاق برشمrede و ملاک درستی و نادرستی افعال را اصل سود می‌داند (فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۸۶). جرمی بتام برای سنجش و درجه‌بندی و در نهایت، محاسبه لذات و آلام، هفت معیار و سنجه ارائه کرده است (مصطفای بزدی، ۱۳۸۷-۱۳۸۴، ص ۸۶) که به فراخور و تناسب با موضوع، به برخی از آن اشاره می‌رود.

الف) شدت: پاره‌ای لذات شدید و برخی ضعیف‌اند و بدیهی است که باید همواره لذایذ شدید مقدم شوند. از منظر معتقدان به «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» در مصاف با ورزشکاران رژیم صهیونیستی، منافع و لذت حاصل از ادامه مسابقه و کسب عنوان قهرمانی اهمیت بیشتری دارد و از همین‌رو، بر جواز اخلاقی این رویارویی تأکید دارند.

ب) میزان قطعیت لذت: عرصه مسابقات ورزشی، تجلی استعدادها و محل رقابت است و نه صحنهٔ دفاع از مظلوم؛ از این‌رو، قانون ۵۰ منشور المپیک، دخالت هر گونه مسائل سیاسی و مذهبی در مسابقات ورزشی را منوع کرده است (سلیمانی‌کشاوه و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹۲). بر این اساس، حصول لذت «انتفاع از سهمیه ورزشی» قطعی و یقینی است و حال آنکه نقش و کارایی عدم مصاف با ورزشکاران إسرائیلی، با هدف «حمایت از مظلوم» محتمل است. در چنین مواردی باید به دنبال لذاتی بود که به تحقق و حصول‌شان اطمینان داریم.

ج) نزدیکی یا دوری لذات: از منظر سودگری، برخی لذات قریب الحصول و نزدیک‌اند؛ همچون منافع حاصل از حق انتفاع از سهمیه ورزشی و برخی دیگر بعید الحصول و دوراند مانند اعانه به مظلومین فلسطین. از منظر سودگرایانه، در اینجا باید نسیه را فدای نقد کرده و لذات نزدیک‌تر را بر لذات دور ترجیح داد.

د) خلوص: برخی لذات مقرن و مستلزم هیچ‌گونه المی نیستند و در مقابل بیشتر لذت‌ها مقرن با آلام‌اند. حقوق مردم مظلوم فلسطین مقدم بر لذت مصاف با ورزشکاران إسرائیلی در مسابقات ورزشی نیست و انتفاع از سهمیه ورزشی، نقشی در آن ظلم نداشته و از سویی عدم مصاف با إسرائیل مسبب و مایهٔ خسارت به جمع کثیری از مردم است. روشن است انتخاب ارادی لذتی که مقرن با آلم و خسارت باشد، نادرست است و از همین‌رو، حق انتفاع از سهمیه

ورزشی راجح است.

ه) شمول و گستردگی: معیار دیگر برای محاسبه و مقایسه لذتها و آلام، میزان گستردگی و شمول آنهاست. افرادی که در فلسطین مورد ظلم قرار می‌گیرند نسبت به جامعه جهانی ورزشکاران منتخب و ملتهایشان، بسیار انکارند. با توجه به اینکه در لذت گستردگی، افزون بر ورزشکار منتخب، عده‌ای دیگر از مردم نیز از آن التذاذ می‌یابند، شمول لذات در انتفاع از سهمیه ورزشی و مصاف با ورزشکاران إسرائیلی در مسابقات است. با توجه به اصل و الزام سودگرایان که بهبار آوردن حداکثر لذت برای حداکثر مردمان را اقتضا دارد، (صبحایزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳). به هنگام تعارض حق انتفاع از سهمیه ورزشی، بارجou به میانی و اصول نظریه سودگرایانه و با پذیرش قواعدی که سود را به حداکثر رساند، بیشترین سود در سطح جهانی و خیر عمومی در انتفاع از سهمیه ورزشی و جواز مسابقه با ورزشکاران إسرائیلی است؛ گرچه ممکن است گاه به بهترین نتایج منجر نشود و شر بر خیر غالب آید، ولی آنچه اهمیت دارد این است که دست کم در نگاه نخست و در مجموع، منجر به غلبه خیر بر شر می‌شود.

جمع کثیری از ورزشکاران با انتفاع از سهمیه ورزشی در مسیر قهرمانی طی طریق کرده و ملت خویش را خشنود می‌نمایند. بنا به ادعا و اعتقاد سودگرایان قاعده‌نگر، اگر هر کسی (ورزشکاری) به طور کلی یا در اغلب موارد بر اساس قواعد همیشه معمول عمل کند، خیر عمومی بیشتر حاصل می‌شود و این استدلال نسبتاً قوی است. با این نگاه، گویا معضل تعارض بر طرف می‌شود. البته، به شرطی که تبعیت از قواعد، متضمن سود حداکثری بوده و دارای اولویت باشد تا در هنگام تعارض بتوان طرف راجح را شناخت و آن را مقدم کرد.

به نظر می‌رسد این نگره با اشکالاتی مواجه است از جمله این که: الف) اگر شدت به عنوان معیار محاسبه لذت و الـم در نظر گرفته شود، آیا لذات اخروی شدیدتر، پایدارتر و خالص‌تر از لذات دنیوی نیستند؟ نادیده گرفتن لذت‌های اخروی از ایرادهای اساسی این نگاه و نظریه است. ب) اگر هر کسی بالضروره در جست‌وجوی لذت خویش برآید، پس باید آدمیان را موجوداتی خودپسند انگاشت و حال آنکه بسیاری از افراد با طیب خاطر کارهایی را انجام می‌دهند که هرگز نمی‌توان آن را خودپسندانه تلقی کرد (نک: صبحایزدی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰-۱۸۷). برای نمونه، عدم رویارویی با ورزشکاران إسرائیلی در جام جهانی ۱۹۵۸ سوند توسط برخی دولت‌ها؛ انصراف کویت و کرمه‌مالی از مسابقه و مصاف با ورزشکاران رژیم صهیونیستی در مسابقات آسیایی سال ۱۹۷۴؛ مسابقه ندادن آرش میراس‌ماعیلی با حریف إسرائیلی در المپیک ۲۰۰۴

آن؛ انصراف ورزشکار عربستانی در المپیک ۲۰۱۶؛ عبدالله منیاتو از لبنان؛ فتحی نورین از الجزایر؛ محمد عبدالرسول از سودان و افراد دیگری که به دلیل حمایت از مردم مظلوم فلسطین حاضر به مسابقه با ورزشکاران اسرائیلی نشدند. ج) به نظر می‌رسد قطعیت، تزدیکی یا دوری لذات در میزان لذت و آلم تأثیری نداشته و نمی‌توان آن را معیاری برای ارزشمندی لذات تلقی کرد (مصطفی‌بی‌زیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸). د) معیار خلوص نیز مربوط به لذات غیری و عرضی‌اند و نه لذات ذاتی. ه) معیار شمولیت و گستردگی که به فراگیری تعداد افراد بازمی‌گردد، دارای اشکال است. دو لذتی که برابرند مانند کسب مдал طلای المپیک در دورشته ورزشی، توسط ورزشکار منتخب از کشور هند^۱ (با جمعیتی بیش از یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر) و کشور ناورو^۲ (با جمعیت حدود ۱۲ هزار نفر) که از نظر گستردگی و شمولیت با هم متفاوت‌اند؛ در این صورت چرا باید لذت و ارزش کسب مдал طلای کشور هند را برتر از کشور ناورو بدانیم؟ بنا بر فرض، پذیرش شمول و گستردگی، تقاضوت مهمی درین لذت حاصل از «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «دفاع از مظلوم» وجود دارد؛ زیرا می‌توان پذیرفت به لحاظ کثرت جمعیت، انتفاع از سهمیه ورزشی در مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، ناخشنودی افراد بیشتری را در پی دارد؛ زیرا حس عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در فطرت اکثر مردم جهان نهادینه است و مصاف با ورزشکاران رژیم سفاک اسرائیل للذی کمتر از حد اکثر لذت ممکن در بدیل آن به بار می‌آورد. افرون بر این، نمی‌توان پذیرفت لذت و منفعت عمومی بدون قید و شرط، بدیل بر درستی حد اکثر لذت برای حد اکثر انسان‌هاست. و) در باب مؤلفه «(کیفیت)» نیز اشکالی وجود دارد و آن اینکه در جایی که سود در طرفین تعارض برابر باشد، ولی یک طرف بازیله اخلاقی قرین شود، سودگرا هر دو طرف را دارای ارزش اخلاقی یکسان دانسته و عمل به هر طرف را صحیح برمی‌شمارد و حال آنکه طرف همراه با رذیله اخلاقی، نسبت به طرف دیگر مرجوح است و باید این دورا مساوی انگاشت (نک: فرانکنا، ۱۳۹۲، ص ۸۹).

انتفاع از سهمیه ورزشی در مصاف با ورزشکاران اسرائیلی، سودهایی از جمله، لذت ادامه مسابقه، نیل به مقام قهرمانی و کسب منافع مادی در پی دارد و البته، عدم رویارویی نیز می‌تواند ثمرات و منافعی داشته باشد همچون حمایت از مردم مظلوم فلسطین. ظاهراً هر دو خیر در داشتن سود و منافع برابرند، اما با قطع نظر از سود، ادعا و انگاره جواز مصاف و مسابقه با

1. India

2. Nauru

ورزشکاران إسرائیلی نادرست است؛ زیرا مقرون به اعانه ظالم و یک رذیله اخلاقی است و این به معنای مخالفت با باورها و در نتیجه، نادیده گرفتن اصول اخلاقی و تعهدات انسانی است. بنابراین، سودگرا در محاسبه سود و روش معین برای قواعدی که بیشترین سود را در پی داشته باشد، گرفتار تردید و اشتباہ شده است (فرانکا، ۱۳۹۲، ص ۸۹-۱۰۳). از همین روست که میل به عنوان سودگرای قاعده‌نگر، معتقد است که در برخی موارد تعارض، بدون رجوع به اصول کلی، باید عمل خاص مورد نظر بررسی شده و بر اساس نتایج آن ارزیابی شود.

ز) ایراد دیگر غیر عملی بودن توزیع عادلانه سود و اولویت‌بندی آن و نیز شناخت طرف راجح است. فرض کنید هر دو طرف تعارض دارای یک درجه باشند، مانند صرف منافع حاصل از رویارویی با ورزشکاران إسرائیلی، برای پناهندگان فلسطینی و عدم مصاف به دلیل دفاع از پناهندگان فلسطینی (حمایت از مظلوم). سودگرا به علت عدم شناخت طرف راجح، هر دو طرف را دارای ارزش اخلاقی برابر دانسته و اولویتی در گزینش نخواهد داشت.

ح) ابهام دیگر در تشخیص ماهیت بیشترین خیر و حداقل‌سازی میزان سود است، یعنی در این مسئله که غلبه سود باید برای چه تعداد از مردم باشد، اختلاف است و توافقی در میزان آن نیست (Chappell & Crips, 1998, p. 9169).

ط) اگر قواعد سودگرا در تأمین سود عمومی، منجر به عدم استفاده از «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» شد، آن‌گاه خسارت‌های ناشی از این نگره به فاعل اخلاقی و ورزشکار، توجیهی نخواهد داشت؛ زیرا نادیده انگاشتن امتیاز و سهمیه ورزشکار، محرومیت و نابودی سود اوست که به معنای عدم کارآمدی نگره سودگرایانه در حوزه فردی است. حاصل آنکه در تشخیص تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» با توجه به دیدگاه سودگرایان، انتخاب درست و عاری از نقص ارائه نگردید و باید به دنبال راهکار دیگری بود.

تبیین تعارض اخلاقی با رویکرد اسلامی

همانگونه که پیش تر بیان شد، مسئله جواز یا عدم جواز اخلاقی مصاف با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات ورزشی، به مثابه یک تعارض اخلاقی پدیدار شده است و بررسی این تعارض از منظر اخلاقی مهم و ضروری است.

بارگردان مسائل و تعارض اخلاقی در فلسفه اخلاق و عرضه آن بر دیگر علوم، نیازمند تبیین

مفهومی و اتحاد موضوعی تام در طرفین تطابق است. در تعریفی جامع، «تعارض اخلاقی»^۱ بلا تکلیفی درونی برای تشخیص وظیفه اخلاقی به خاطر تعارض وظایفی که به یک اندازه اعتبار دارد (اتکینسون، ۱۳۷۰، ص ۲۲) و یا موقعیتی است که در آن خود را بر سر دوراهی بیاییم، گویی راه سومی وجود ندارد و از سویی، انتخاب هر یک از آن دو به نحوی خلاف اخلاق می‌نماید (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵). تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «اعانه مظلوم» در مصدق مصادف با ورزشکاران اسرائیلی که در فلسفه اخلاق طرح گردید با رویکرد اسلام در سه حوزه فقهی، حقوقی و اخلاقی -در دو محور افعال و تکالیف- همواره مورد توجه بوده است. فلسفه اخلاق متکفل محور افعال در مباحث عقلی (فرانکا، ۱۳۹۲، ص ۳۶) و علم فقه که نشأت گرفته از دستورات الهی است، در هیئت اوامر و نواهی، عهدهدار تعیین وظایف مکلفین در محور تکالیف شرعی است (شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰). با این بیان، اوامر و نواهی شرعی، درست و نادرست اخلاقی و حقوقی را تشریح می‌نمایند. طرح تعارض در حوزه قوانین حقوقی، عنوان دیگری است که بازگشت آن به عقل و شرع است. علم فقه، افزون بر مباحث اخلاقی، مسائل حقوقی را نیز دربر دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۹۸) و با دستیابی به مسائل فقهی، مباحث اخلاقی و حقوقی نیز فهم پذیر خواهد شد. جایگاه تعارض اخلاقی در علم اصول، ذیل مباحث تراحم است؛ چنانکه آخوند خراسانی می‌نویسد:

لو كان المقتضى للحجية فى كل واحد من المتعارضين لكان التعارض بينهما من تراحمن الواجبين فيما اذا كانا مؤدين إلى وجوب الضدين أو لزوم المتناقضين (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۱۹).

تراحم نزد اصولیین به معنای ناسازگاری و تمانع دو حکم، ناشی از عدم قدرت مکلف بر انجام همزمان آن هاست (نایینی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۷). برای خروج از تراحم ابتدا باید با تدقیق مستله و تحصیل مرجحات، درجه الزام هر کدام از طرفین تعیین شود، سپس بنا بر قواعد اصولی («كون احد المتراحمين اهم من الآخر، فيجب تقديم الأهم على المهم بحكم العقل» (الواعظ)، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۶۱) اولویت و ترجیح را با الزامی قرار داد که مهم‌تر و یا مقدم بر دیگری باشد (محقق داماد، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۳۲). به اعتقاد برخی فقهاء اصولیین، راه تشخیص اهم و تعیین وظیفه، تطابق با الزامات الهی است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۵۰۳) و بر این اساس، با واشکافی طرفین

1. moral dilemma

تراحِم «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» و تعیین درجه الزام هر کدام، می‌توان در جهت ارزش‌گذاری و اولویت بخشی به أهم، گام برداشت و با تقدّم آن، از تراحِم خارج شد.

ارزیابی طرفین تعارض اخلاقی مصاف با ورزشکاران إسرائیلی

ابتلاء تعارض اخلاقی^۱ بر دو تکلیف، غیر قابل جمع است که به یک اندازه اعتبار دارند (اتکینسون، ۱۳۷۰، ص ۲۲). بر این اساس اگر بتوان در اعتبار یک طرف تکلیف رجحانی یافت، تعارض فروپاشیده و همان طرف مقدم وظیفه فاعل اخلاقی است. رجحان و درستی وظیفه در اسلام، منوط به تطابق آن با قانون الهی (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۵۰۳) است و از همین‌رو، اعتبار طرفین تعارض اخلاقی «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» در مصاف با ورزشکاران إسرائیلی در مسابقات جهانی و المپیک، شایسته ارزشیابی و بررسی است.

الف) جواز مصاف با ورزشکاران إسرائیلی در مسابقات، امتیازی است که ورزشکار بر پایه حق انتفاع از سهمیه ورزشی کسب کرده است. در ارزیابی و صدق اعتبار مدعی، به نظر می‌رسد در معنای «حق» و اثبات آن برای ورزشکار، ابهاماتی است که تأمل و تبیین مفهومی را می‌طلبد. «حق»^۲ در لغت واژه‌ای عربی و نقیض باطل است (جوهری، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۲۸۱). که به صورت اسم، مصدر و صفت بکار رفته و در معنای مورد اتفاق؛ ثبوت و ثابت شدن، (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۹۱۲۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵۶؛ قیومی، ۱۹۸۷، ص ۵۵؛ طباطبائی حکیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۸، جرجانی، ۱۴۲۴، ص ۶۱) عدل، حظ و نصیب، امر مقتضی، سزاوار (معلوف، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴) درست، ضد باطل، ثابت و واجب (عیید، ۱۳۸۹، ص ۴۵۸) به کار رفته است. حق در معنای مصادری، به معنای ثبوت و در معنای وصفی، به معنای ثابت است (فروغی، ۱۳۹۷، ص ۴).

«حق» در اصطلاح فقهی، دو معنای متفاوت دارد: در معنای عام، «حق» شامل مؤیدات و ممضيات شع همچون حق ولایت برای حاکم، حق حضانت و وصایت (آل بحرالعلوم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳) و از مصادیق حکم (تکلیفی، شرعی) است (فروغی، ۱۳۹۷، ص ۷) که این معنا از موضوع پژوهش خارج است. «حق»، در معنای خاص، عبارت است از سلطنت (شیخ انصاری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۴۴) فعل اعم از اینکه به عین، عقد، شخص یا غیر آن تعلق گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳،

1. moral dilemma

2. Rights

ص ۳۰-۳۴) و یا اینکه سلطنت ضعیفی از سخن سلطنت موجود به مرتبه‌ای قوی‌تر در ملک است (حسینی حائری، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۶۳). مقصود فقهاء از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت، (نائینی، ۱۴۱۸، ص ۱۰۶) همان مفهوم تسلط، اقتدار و چیرگی (آل بحرالعلوم، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲۳) در زبان فارسی است که معنای منطبق بر مسئله پژوهش است.

از منظر حقوقی «حق» در معنای «داشتن امتیاز ویژه» (Hohfeld, 1919, p. 73) و یا «امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت کرده و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۲۲). «حق» در اصطلاح فقهی که به معنای خاص آن، یعنی «امتیاز و تسلط بر منافع خویش» است، به عنوان یک حکم وضعی شامل حق حقوقی^۱ الزام‌آور و در مقابل حق اخلاقی^۲ قرار دارد. با نگاه امروزی به فقه، هر دو معنای حق حقوقی و حق اخلاقی مورد بحث است؛ زیرا دست‌کم برخی از حقوق اخلاقی در فقه سامان می‌پابد (صرامی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱).

پیش از تعیین مفهوم «حق»^۳ و اعتباری بودن آن، باید توجه داشت که در «حق»، چیزی (سهمیه مسابقه) برای کسی (نماینده برند)، علیه دیگری (نماینده بازنده) وضع می‌شود (صبحای زدی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵-۲۵۷). با تأمل در تعاریف، «حق» در سیاق «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» به معنای حق بودن «امتیاز و تسلط ورزشکار بر منافع خویش» است، یعنی با وجود شرایط مقتضی، اگر ورزشکار از امتیاز و سهمیه خود استفاده کند این «حق» است و نه «باطل». «حق» که به صورت وصفی به کار رفته، به معنای «ثبت» است و معنای آن از راه تقابل «باطل» فهم می‌شود^۴ (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۲-۲۴)، اما این به معنای دارا شدن صاحب حق، یعنی «حق داشتن» نیست و لزوماً از معنای «حق بودن»، «حق داشتن» استیباط نمی‌شود. انتقال حق تurgir به صغیر در معنای «حق بودن» است، اما به معنای «حق داشتن» نیست و صغیر نمی‌تواند در آن تصرف کند. إراده انتفاع از حق توسط ورزشکار، تنها در استیفاء حق دخیل است، نه در شکل‌گیری آن (توجهی، ۱۳۹۷، ص ۳۱) و اگر ورزشکار مسابقه داد، حق بوده است نه این که چون حق داشته، مسابقه داده است.

افزون بر این، ورزشکار نمی‌تواند این «حق بودن» در استفاده از سهمیه ورزشی خود را به دیگری

1. legal right

2. ethical right

3. right

4. برای نمونه، نک: سوره اسراء، آیه ۸۱؛ سوره نساء، آیه ۴۹.

واگذار و یا آن را اسقاط نماید، بلکه انتفاع یا عدم استفاده از سهمیه ورزشی، نهایت مواجهه اوست و این خود دلیلی بر «حق بودن» است؛ زیرا انتقال و اسقاط حق، نشان دهنده معنای «حق داشتن» است نه «حق بودن» (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۸). حق در معنای «حق بودن» در سطح ارزش و در برابر «باطل» و خطأ قرار دارد، ولی حق در معنای «حق داشتن» در سطح روابط اجتماعی است؛ گرچه «حق» در این دو معنا مصطلح بوده، اما از یکدیگر متمایزند (تجھی، ۱۳۹۷، ص ۴۳) و تفاوت این دو مفهوم در مقام اثبات و ثبوت است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

بر این پایه، «حق» در سیاق عبارت «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» به صورت وصفی به کار رفته و در معنای ثابت است که از آن «حق بودن انتفاع از سهمیه ورزشی» تعبیر می‌شود. از این‌رو، از تعبیر «حق انتفاع از سهمیه ورزشی»، الزام و تکلیفی به معنای «حق داشتن» برای ورزشکار ثابت نشد.

با فرض پذیرش «حق» در معنای مصدری و ثبوت، به مفهوم «حق داشتن»؛ در سیاق عبارت «حق انتفاع از سهمیه ورزشی»؛ مهم شناخت متعلق حق است. به بیان دیگر، شناخت «کسی که حق برای اوست» (من له الحق) از ارکان و عناصر فهم درست و دقیق معنای «حق» است (صبحی‌یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵-۲۵۷). در مسابقات بین المللی و همچنین المپیک، تعلق سهمیه به (مسابقات بین المللی و همچنین المپیک، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵). بسیاری از کشورها بنا بر منافع خود از حضور در عرصه‌ای و یا مصاف با عضوی خاص، خوداری می‌کنند که امری متداول است و در دنیا ورزش و رقابت پذیرفته است.^۱ چنین تعاملی در سطح بین الملل حاکی از آن است که متعلق

۱. در المپیک ملبورن ۱۹۵۶م هلند، سوئیس، اسپانیا، مصر، عراق، کامبوج و لبنان از اعزام ورزشکاران خود به مسابقات خوداری کردند؛ المپیک مونترال ۱۹۷۶م چین حاضر به رویارویی با تایوان نشد و ۲۸ کشور آفریقایی ورزشکاران خود را از ادامه مسابقه منع کردند؛ المپیک مسکو ۱۹۸۰م آمریکا، آلمان و ۶۳ کشور دیگر از اعزام ورزشکاران خود به مسکو سریاز زدند؛ المپیک لس آنجلس ۱۹۸۴م شوروی و ۴ کشور دیگر با عدم حضور، آن را تحریم کردند؛ المپیک سئول ۱۹۸۸م کره شمالی، ایتالی، کوبا و نیکاراگوئه مانع حضور ورزشکاران خود به مسابقات شدند؛ دیدار دو کشور آذربایجان و ارمنستان در یورو ۲۰۰۸م به علت اختلاف لغو شد؛ در بازی‌های انتخابی یورو ۲۰۱۶م اسپانیا حاضر به رویارویی با جبل الطارق نشد و در سال ۲۰۱۹م مالزی اجازه ورود ورزشکاران اسرائیلی را به کشور خود نداد. اخیراً با امضاء ۳۸ کشور و اعلام رسمی فیفا، تیم ملی روسیه و بلاروس از رقابت‌های انتخابی جام جهانی قطر ۲۰۲۲م تحریم شدند. (سایت خبری رجایوز. (۱۳۹۸). برگفته از- www.rajanews.com/news/329119).

رسمی «حق»، نهادهای رسمی حکومتی و از جمله کمیته المپیک و یا فدراسیون‌های ورزشی هستند که وظیفه انتخاب و اعزام ورزشکاران به مسابقات را بر عهده دارند. نتیجه آنکه یک طرف تعارض، یعنی اختیار ورزشکار در مصاف با ورزشکار دیگری از یک کشور جعلی مثل اسرائیل بر مبنای «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» متزلزل و فاقد اعتبار است و این حق انتفاع از سهمیه و امتیاز، اولاً بالذات متعلق به کمیته المپیک و فدراسیون‌های ورزشی است و ثانیاً وبالعرض متوجه ورزشکاران می‌گردد.

ب) عدم جواز رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات، تکلیفی است که ورزشکار بر پایه باورها، مخاطب آن است. در باورهای اعتقادی و اخلاقی، إعانه به ظالم به هر شیوه قبیح است و در مقابل، «حمایت از مظلوم» بایسته و پسندیده است. با إشغال بخشی از فلسطین و تأسیس رژیم اسرائیل از سال ۱۹۴۸م (سهلهی، ۲۰۰۴، ص ۶) همواره فلسطینی‌ها توسط اسرائیل مورد ظلم، قتل و غارت قرار گرفته‌اند (صالح، ۲۰۰۲، ص ۸۰). درک قبیح ظلم توسط عقل و باورها، از بدیهیات است.

مبانی باور مسلمانان در قبح إعانه ظالم، آیه شریفه «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهِرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلُّهُمْ وَمَن يَتَوَلُهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (سوره ممتحنه، آیه ۹) است. کاربرد افعال با صیغه جمع در این آیه، بیانگر اصل کلی، ممنوعیت دوستی کافه مسلمانان با دو گروه است: ۱) دشمنانی که با مسلمانان می جنگند؛ ۲) گروهی که از اخراج مسلمانان پشتیبانی می کنند. مصدق این دشمنان در حال حاضر رژیم غاصب صهیونیستی است که با مسلمانان می جنگد و آنان را اخراج می کند. مبنای باور مسلمانان در دفاع از مظلوم، آیه شریفه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقْاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالسَّاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرَجْنَا مِنْ هَذِهِ الْفُرْزِيهِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلَيْاً وَاجْعَلْنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (سوره نساء، آیه ۷۵) است. با توجه به نکات مطرح شده در این آیه شریفه، وظیفه هر مسلمانی تلاش برای رهابی مستضعفان از دست ظالمان است. همچنین در روایت زیر بر الزام به برخورد با ظالم و حمایت همیشگی از مظلومان تأکید شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنْادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجْبِهُ

^{٢٣٩} فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (الكليني، ١٣٨٧، ج ٣، ص ٢٣٩)

در همین راستا، امام علی (ع) فرموده‌اند: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، خطبه ۴۷). به اعتقاد بسیاری از علمای دین که مبین و مفسّر شرع و مبلغ باورهای دینی هستند، از مصاديق قطعی آیات و روایات «نهی از إعانة ظالم و لزوم و وجوب حمایت از مظلوم» در عصر حاضر رژیم غاصب اسرائیل و مردم مظلوم فلسطین هستند.

به اعتقاد امام خمینی (ره) «رابطه با اسرائیل و عمال آن - چه رابطه تجاری و چه رابطه سیاسی - حرام و مخالفت با اسلام است^۱ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۹). ایشان با تأکید بر لزوم حمایت از مردم بپناه لبنان و فلسطین^۲ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۴۸). طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و شناسایی او را برای مسلمانان و دولت‌های اسلامی یک فاجعه می‌دانستند و مخالفت با این طرح را یک فریضه بزرگ اسلام برمی‌شمردند^۳ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۹۳-۲۹۴).

امام خمینی (ره) - در جمع شورای مرکزی حزب الله لبنان در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۹ - فرمودند:

دفاع از بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و بهویژه در شرایطی که فرزندان واقعی فلسطین اسلامی و لبنان با شار خون و جان خود فریاد «(ال المسلمين) سر می‌دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی، در مقابل اسرائیل و متجاوزین بایستیم و در مقابل آن همه سفاکی‌ها و ددمنشی‌ها مقاومت و پایمردی کنیم و به یاری آنان بستاییم و سازشکاران را شناسایی و به مردم معرفی کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۴۸۶).

با توجه به آنچه تبیین شد، برای طرف اول تعارض در باب «حق انتفاع از سهمیه ورزشی»، الزام و تکلیفی به معنای «حق داشتن» برای ورزشکاران ثابت نشد و استناد ورزشکاران و موافقان مصاف با ورزشکاران اسرائیلی؛ بهأخذ سهمیه ورزشی، ره به حایی نبرد. از سوی دیگر، عدم مصاف و مسابقه با ورزشکاران اسرائیلی در راستای به رسمیت نشناختن این رژیم غاصب بوده است (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۱) و ورزشکاران ایرانی همواره بر سر آرمان فلسطین و دفاع از حق مردم مظلوم فلسطین ایستاده و آن را ارزشی ملّی و دینی تلقی می‌کنند (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۶). این موضع گیری که برگرفته از آیات و روایات مبنی بر «اللزوم حمایت از مظلوم» است،

۱. بخشی از پیام امام خمینی (ره) به ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در تاریخ ۱۳۴۶/۳/۱۷.

۲. پیام امام خمینی (ره) به ملت ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۲۲.

۳. پیام به ملت ایران در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱۵.

معیار ارزش‌گذاری و رجحان در تراحم بوده و أهم بودن آن، به دلیل تطابق با قانون الهی و عقل است و از همین‌رو، اولویت یافته و مقدم می‌شود.

جبان انتفاع از سهمیه ورزشی

انتظار می‌رود ورزشکارانی که در عرصه جهانی و بین‌المللی پس از تحمل سختی‌ها کسب سهمیه کرده‌اند، بتوانند با بهره‌مندی از آن امتیاز در مسیر قهرمانی گام بردارند، اما هنگامی که هم‌گروه با ورزشکارانی از رژیم صهیونیستی می‌شوند خود را بر سر دوراهی نیل به آمال ورزشی و یا حمایت از مظلوم می‌بایند که باید به انتخابی دشوار دست یازند. این مسئله گاه سبب یأس و هدر رفت زحمات ورزشکاران می‌گردد و امتداد این مسیر، خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه ورزش به دنبال خواهد داشت. به نظر می‌رسد تحمیل این فشار بر ورزشکاران و مردمیان، به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه از ناحیه مسئولین امر است و مسئولان باید بکوشند در عرصه بین‌المللی با روشنگری و ایجاد اجماع جهانی قوی مبنی بر عدم پذیرش و حذف رژیم صهیونیستی از گردونه مسابقات ورزشی، گام‌هایی مؤثر بردارند^۱ و اگر ممکن نشد همچون برخی کشورها^۲ با ادله خود، عدم هم‌گروه شدن با اسرائیل در مسابقات را رسماً بخشند. نیز مجتمع جایگزین برای هم‌فرکران در عرصه‌های گوناگون تأسیس شود؛ به‌گونه‌ای که با امتیاز و جوایزی برتر از مسابقات جهانی و المپیک مقرن شود. سخن آخر اینکه لازم است برای جبران خسارت ورزشکارانی که به دلیل حمایت از مظلوم، از مصاف با ورزشکاران اسرائیلی خوداری کرده و از صعود و کسب مدال قهرمانی ناکام مانده‌اند، جوایز ویژه معادل و یا حتی بیشتر از مقام قهرمانی آن مسابقات در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

در گستره جهانی، قهرمانی و کسب عنوانین ورزشی، مورث قدرت و شرót است. برترین مقام قهرمانی با تلاش فراوان و کسب سهمیه، در بازی‌های المپیک و جام جهانی به دست می‌آید. در

۱. در صورت پذیرش حکومت رسمی فلسطین، مردم اسرائیل نیز می‌توانند در مجتمع رسمی و ورزشی حضور یابند.
۲. برای نمونه، رویارو نشدن تیم فوتبال آذربایجان با ارمنستان و روسیه با اکراین که فیفا نیز آن را پذیرفت (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۲۱).

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق). لسان العرب. (الطبعة الاولى). بیروت: دار احیاء التراث العربي.

اتکینسون، آر. اف. (۱۳۷۰). فلسفه اخلاق. (ترجمه: سهراب علوی نیا). تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

آل بحرالعلوم، محمد. (۱۳۶۲). بلغه الفقيه. (با شرح و تعلیق: سید محمد تقی آل بحرالعلوم). تهران: مکتبة الصادق.

توجّهی، عبدالعلی. (۱۳۹۷). دکترین «حق داشتن» دربرابر «حق بودن» با رویکردی بر نظر امام خمینی.

این مسیر، مصاف با ورزشکاران إسرائیلی از مسائل چالش انگیزی است که مورد توجه موافقان و مخالفان قرار گرفت. در بدرو امر با توجه به مطلوبیت سود از منظر ورزشکاران و نگره سودگرایی، جواز مصاف با ورزشکاران إسرائیلی به ذهن متبار شد. سودگرایان در محاسبه، اولویت‌بندی، توزیع عادلانه سودها و قواعدی که بیشترین سود را درپی داشته باشد، گفتار ابهام‌اند. تعارضات اخلاقی در رویکرد اسلام ذیل بحث تراحم اصولی و با معیار رجحان تطابق با قانون الهی و عقل بررسی شد. طرفین تعارض بر پایه گزاره «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» و «حمایت از مظلوم» در مصدق مصاف با ورزشکاران إسرائیلی استوار است. با تبیین مفهومی واژه «حق»، انگاره «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» به معنای حق بودن «امتیاز و تسلط ورزشکار بر منافع خویش» است و لزوماً از معنای «حق بودن»، «حق داشتن» استخراج نگردید، یعنی با وجود شرایط مقتضی، اگر ورزشکار از امتیاز و سهمیه خود استفاده کند، این «حق» است و نه «باطل». بر فرض قبول «حق» به معنای مصدری «حق داشتن»، متعلق «حق» کمیته‌ها و فدراسیون‌های ورزشی هستند و نه ورزشکاران. با این تبیین، در طرف اول تعارض «حق انتفاع از سهمیه ورزشی» حق و تکلیفی برای ورزشکاران ثابت نشد. از سویی، «حمایت از مظلوم» در مصدق عدم مسابقه و مصاف با ورزشکاران إسرائیلی، مطابق با اعتقادات و باورها است و از همین‌رو، طرف دوم تعارض رجحان و اولویت یافت و بنا به مقتضای قاعده تراحم مقدم شد. تلاش مسئولین در حل چالش مصاف با ورزشکاران إسرائیلی در مسابقات بین المللی و جبران خسارت جامعه ورزشی، لازم و ضروری است.

خصوصی، ۱(۱)، ۳۶_۳

فیومی، احمدبن محمد. (۱۹۸۷). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*. بیروت: مکتب لبنان.
کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). *فلسفه حقوق*. (ج ۳). تهران: شرکت سهامی انتشار.
الکلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷ق). *اصول کافی*. (ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی). شیراز:
انتشارات علمیه اسلامی.
محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۷). *مباحثی از اصول*. (چاپ پنجم، ج ۳). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۷). *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی (ره).

مصطفی یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*. (تحقيق و نگارش: احمد حسین
شریفی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
معلوم، لویس. (۱۳۸۰). *المنجد فی اللغة*. (ترجمه: محمد بندریگی، چاپ سوم). تهران: انتشارات
ایران.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۳ق). *انوار الفقاہه*. (کتاب البیع). (طبعه الثانیه). قم: مدرسه الامام
امیرالمؤمنین (ع).

موسوی خمینی، سید روح الله (امام خمینی). (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. (ج ۲۲). تهران: مؤسسه تنظیم و
نشر آثار امام خمینی (ره).

نائینی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *فوانید الاصول*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
نائینی، محمد حسین. (۱۴۱۸ق). *منیه الطالب*. (نگارش: موسی نجفی خوانساری). قم: مؤسسه
النشر الاسلامی.

الواعظ، السيد محمد سرور. (۱۴۲۰ق). *مصباح الاصول*. قم: مکتبة الداوری.

Chappell, Tim & Roger Crisp. (1998). utilitarianism, in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*. Routledge: London and New York.

Hohfeld, W. (1919). *Fundamental Legal Conceptions as Applied in Judicial Reasoning*. New Haven: Yale University Press.

<https://farsi.khamenei.ir>

www.olympic.ir/fa/aboutnoc/nochistory.



۱۳۶

فناخته علمی پژوهشی اخلاق پژوهی
سال ششم — شماره چهارم — زمستان ۱۴۰۰